

**Analyzing the Doctrinal Impact of the Belief in
Mahdism on Human Perfectionism, with Emphasis
on the Thought of Ayatollah Javadi Amoli**

Zahra Ziaei¹

Seddigheh Mohammadi²

Abdolaziz Hosseini³

Abstract

Belief in Mahdism (the doctrine of the Mahdi) exerts profound effects in the domain of anthropology, particularly on human thought. The present study examines the impact of this belief in three areas—ontology, theology, and Imamology—with emphasis on the views of Ayatollah Javadi Amoli. Using a library-based approach and thematic analysis through coding, this research seeks to elucidate and analyze how belief in Mahdism influences human perfectionism in doctrinal terms, based on the themes in Ayatollah Javadi Amoli's thought. The findings indicate that Mahdist thought not only implicitly constitutes the infrastructure of the concept of perfection, is regarded—within the framework of Imamology and in the figure of the Perfect Human (*al-Insān al-Kāmil*)—both independently and as a complement to ontological and theological issues. Belief in Imam al-Mahdi (may God hasten his reappearance) is necessary for the purposiveness and perfection of the cosmic order and enables the flourishing of the human being's celestial essence. Furthermore, the domain of Imamology, as complementary to ontological and theological discussions, provides a clear picture of perfectionism and the path to attaining it. This study is capable of offering a meaningful understanding of Mahdism and perfectionism within the contemporary intellectual and cultural milieu, specifically at the level of doctrinal worldview.

Keywords: Abdollah Javadi Amoli, doctrinal insight, perfectionism, Mahdism, human.

-
1. PhD, Islamic Theology, Bent al-Huda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom (Corresponding Author). 1362114@gmail.com (ORCID: 0000-0002-0769-1970)
 2. PhD, Teaching Islamic Doctrines, Theoretical Foundations, Assistant Professor, Islamic Theology, Bent al-Huda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom. Salmanfarsi6666@gmail.com (ORCID: 0000-0001-9538-8295)
 3. PhD, Quranic and Sciences, Management, Higher Education Complex of Islamic Humanities. bh106993@gmail.com (ORCID: 0009-0001-4621-2207)
<https://doi.org/10.22034/ftk.2026.2060954.1735>

تحليل الأثر المعرفي للاعتقاد بالمهدوية في كمال الإنسان "فحوى أفكار آية الله جوادي آملي نموذجاً"

زهرا ضيايي^١

صديقه محمدي^٢

عبدالعزیز حسيني^٣

الملخص

إن الاعتقاد بالمهدوية يترك تأثيرات عميقة على الإنسان، لا سيما على فكره. يناقش البحث تأثير هذا الاعتقاد في ثلاثة مجالات، هي: علم الوجود، ومعرفة الله، ومعرفة الإمام، بالتمحور حول آراء آية الله الجوادى الآملي. وقد اعتمد البحث على الدراسة المكتبية ومنهج تحليل المضمون، وسعى من خلال عملية الترميز إلى تبين وتحليل تأثير العقيدة المهدوية في النزعة نحو الكمال لدى الإنسان في المجال المعرفي، استناداً إلى مضامين فكر آية الله الجوادى الآملي. وتُظهر نتائج البحث أنّ الفكر المهدوي، بالإضافة إلى كونه يشكل بصورة ضمنية البنية التحتية لمفهوم الكمال، يحظى بالاهتمام، في إطار علم الإمام وكون الإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) إنساناً كاملاً، بصورة مستقلة من جهة، وبوصفه مكتملاً لمباحث علم الوجود ومعرفة الله من جهة أخرى. كما أنّ الاعتقاد بالإمام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف) يُعدّ ضرورياً لتحقيق غائية نظام الخلق وكماله، ويتيح تفتح الجوهر الملكوتي للإنسان. كذلك، يقدم مجال معرفة الإمام صورة واضحة عن النزعة نحو الكمال والمسار المؤدي إلى بلوغه، من خلال استكمال مباحث علم الوجود ومعرفة الله. ويمكن لهذا البحث أن يقدم في الفضاء الفكري والثقافي المعاصر فهماً ذا دلالة للمهدوية والنزعة نحو الكمال في الساحة المعرفية.

الألفاظ المحورية: عبد الله الجوادى الآملي، الرؤية الاعتقادية، النزعة نحو الكمال، المهدوية، الإنسان.

١. دكتوراه في علم الكلام الإسلامي من مجمع بنت الهدى العاليي، جامعة المصطفى (ع) بقم (الكاتب المسؤول).

1362114@gmail.com (ORCID: 0000-0002-0769-1970)

٢. دكتوراه في تدريس المعارف، فرع المبادئ النظرية، وأستاذ مساعد في قسم علم الكلام الإسلامي، مجمع بنت الهدى العاليي،

جامعة المصطفى (ع) بقم. Salmanfarsi6666@gmail.com (ORCID: 0000-0001-9538-8295)

٣. دكتوراه في علوم القرآن وعلوم الإدارة، مجمع التعليم العالي للعلوم الإنسانية الإسلامية. Bh106993@gmail.com

(ORCID: 0009-0001-4621-2207)

تحقیقات کلامی

فصلنامه علمی پژوهشی

انجمن کلام اسلامی حوزه

سال چهاردهم، شماره پنجاه و سوم، تابستان ۱۴۰۵

تحلیل تأثیر بینشی اعتقاد به مهدویت در کمال‌گرایی انسان با تأکید بر مضامین اندیشه آیت‌الله جوادی آملی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

زهرا ضیایی^۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

صدیقه محمدی^۲

عبدالعزیز حسینی^۳

چکیده

اعتقاد به مهدویت تأثیرات عمیقی در حوزه انسان‌شناسی به‌ویژه در اندیشه انسان دارد. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر این باور در سه حوزه هستی‌شناسی، خداشناسی و امام‌شناسی با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی می‌پردازد. این پژوهش، با مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیل مضمون، از طریق کدگذاری در صدد تبیین و تحلیل تأثیر اعتقاد به مهدویت بر کمال‌گرایی انسان در حوزه بینشی بر اساس مضامین اندیشه آیت‌الله جوادی آملی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه مهدویت، علاوه بر آن‌که به طور ضمنی، زیرساخت مفهوم کمال را تشکیل می‌دهد، به‌عنوان انسان کامل و در چهارچوب امام‌شناسی، هم به‌طور مستقل و هم به‌عنوان مکمل مباحث هستی‌شناسی و خداشناسی توجه می‌شود. اعتقاد به امام مهدی (عج) برای هدفمندی و کمال نظام خلقت ضروری است و شکوفایی گوهر ملکوتی انسان را ممکن می‌سازد. همچنین، حوزه امام‌شناسی با تکمیل مباحث هستی‌شناسی و خداشناسی، تصویری روشن از کمال‌گرایی و مسیر دست‌یابی به آن را فراهم می‌آورد. این پژوهش قادر است تا در فضای فکری و فرهنگی معاصر، درکی معنادار از مهدویت و کمال‌گرایی را در ساحت بینشی ارائه دهد.

واژگان کلیدی: عبدالله جوادی آملی، بینش اعتقادی، کمال‌گرایی، مهدویت، انسان.

۱. دانش‌آموخته دکتری کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی (عج)، قم (نویسنده مسئول).

(ORCID: 0000-0002-0769-1970) 1362114@gmail.com

۲. دکتری مدرسی معارف، گرایش مبانی نظری، استادیار گروه کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه

المصطفی (عج)، قم. (ORCID: 0000-0001-9538-8295) Salmanfarsi6666@gmail.com

۳. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی. Bh106993@gmail.com

(ORCID: 0009-0001-4621-2207)

مقدمه

در جهان معاصر، پرسش از نسبت میان باورهای دینی و تعالی انسانی، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی اندیشمندان دینی و فلسفی بوده است. انسان، به صورت طبیعی در جست‌وجوی معنا و کمال است و تلاش می‌کند تا در پرتو ایمان و معرفت، مسیر رشد و سعادت خود را بازیابد. یکی از آموزه‌های بنیادین در اندیشه اسلامی که می‌تواند جهت‌دهنده این مسیر باشد، باور به امام مهدی عج است. این اندیشه که با عنوان مهدویت از آن یاد می‌شود، باوری پویا و امیدآفرین است که تنها جنبه اعتقادی ندارد، بلکه در شکل‌گیری نگرش انسان نسبت به زندگی، آینده و کمال نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. از این رو، پژوهش حاضر با عنوان «تحلیل تأثیر بینشی اعتقاد به مهدویت در کمال‌گرایی انسان»، با تکیه بر منظومه فکری آیت‌الله جوادی آملی، می‌کوشد تا این رابطه را از منظر کلامی و اعتقادی مورد واکاوی قرار دهد و نشان دهد که چگونه اعتقاد به مهدویت می‌تواند جهت فکری و معنوی انسان را در مسیر کمال دگرگون سازد.

بررسی این موضوع مستلزم دو نوع نگاه است: نخست، مهدویت از این زاویه که یکی از ارکان اعتقادی در جهان‌بینی دینی است و نقشی اساسی در انسجام نظام ایمان دارد. از همین رو، شناخت امام و باور به او، شرط سلامت اعتقادی دانسته شده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَيِّتُهُ مَيِّتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۷۶؛ شیخ صدوق، بی تا: ۱۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ۴: ۲۵؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ۲۹۶؛ حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ۱۶: ۲۴۶؛ ابن‌حنبل، ۱۴۱۶ق، ۴: ۹۶؛ الهیثمی، ۱۴۰۸ق، ۵: ۲۱۸). دوم، از آن‌جا که ایمان دینی به طور مستقیم، به انسان و سرنوشت او مربوط می‌شود، این موضوع باید در پیوند با مفهوم کمال و غایت‌گرایی انسانی تحلیل گردد.

یکی از نتایج بنیادین اعتقاد به مهدویت، جهت‌دهی به اندیشه انسان در مسیر کمال است. انسان به طور فطری در جست‌وجوی هدفی برتر و وضعیتی کامل‌تر است. هدفی که تحقق آن، غایت حرکت او در مسیر زندگی به شمار می‌رود. از این رو، مسئله کمال و طرق دستیابی به آن، همواره در اندیشه دینی و فلسفی جایگاه ویژه‌ای داشته است (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۳۰۷-۳۰۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲: ۱۴۵-۱۴۶). میل درونی انسان به کمال، او را به سوی الگوی کامل سوق می‌دهد. الگویی که در تاریخ، گاه در قالب شخصیت‌های اسطوره‌ای یا تاریخی و گاه در قالب انسان برگزیده و الهی جست‌وجو شده است (نصری، ۱۳۸۲: ۳)؛ از این رو، وجود «انسان کامل» به‌عنوان الگوی عینی کمال، ضرورتی انکارناپذیر

دارد.^۱ آگاهی از چنین وجودی، امید به رشد و تعالی را در انسان زنده نگه می‌دارد و باور به امکان تحقق کمال را تقویت می‌کند. انسان کامل در عین برخورداری از ویژگی‌های انسانی چون روح، اراده، عشق و نیاز، به بالاترین مراتب معنوی دست یافته است؛ همان‌گونه که شهید مطهری تأکید می‌کند: «اگر انسان کامل اسلامی را شناسیم، نمی‌توانیم مسلمان کاملی باشیم» (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۵). از این منظر، درک درست از انسان کامل و باور به او، شرط اساسی برای بروز استعدادهای کمال‌جوی انسان به شمار می‌رود. اندیشه مهدویت نیز با همین کارکرد، افق اندیشه و جهان‌بینی انسان را در مسیر کمال‌خواهی و کمال‌پذیری گسترش می‌دهد.

از منظر مفهومی نیز، تبیین واژه مهدویت می‌تواند به درک دقیق‌تر مسئله کمک کند. این واژه از ریشه «مهدی» به معنای «هدایت شده» گرفته شده و در ادبیات دینی به امام دوازدهم علیه السلام اشاره دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۶: ۴۲-۴۳). شیخ طوسی در الغیبه، با اشاره به امام مهدی علیه السلام، او را «الهادی الی الحق و القائم بامر الله» معرفی می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۱). ابن فارس درباره ریشه این واژه می‌گوید: «الأم أصلٌ واحد يدلّ علی القصد والاستقامه، ومن ذلك الإمامُ لِأنه يؤتم به ویقتدی» (ابن فارس، ۱۳۸۹: ۴۲-۴۳). بر این اساس، معنای اصطلاحی امام از معنای لغوی آن یعنی «پیش‌افتادن برای هدایت» گرفته شده است. آیت الله جوادی آملی با الهام از همین معنا (مهدویت شخصیه)^۲، مهدویت را تجلی کامل هدایت الهی در وجود انسان کامل معنا می‌کند. به باور ایشان، امام مهدی علیه السلام کامل‌ترین مظهر اسما و صفات الهی، نخستین آینه‌ای است که نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵) را منعکس می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۳: ۲۴۳). در نگاه ایشان، وجود مقدس امام مهدی علیه السلام سه ویژگی بنیادین را در خود جمع کرده است: ولایت، کمال و خلافت الهی. «ولایت»، مرتبه‌ای از فنا و بقای در حق است. انسان کامل در این مرحله، از هر تعلقی جز خدا رها می‌شود و به مقام ولی الله دست می‌یابد. چنین انسانی، مظهر اسمای الهی و برخوردار از قدرت تصرف در نظام تکوین است و اعمال او در هر دو عرصه تشریع و تکوین بر پایه خلافت الهی شکل می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴: ۳۱۰؛ ۱۳۸۸: ۹۸). مفهوم

۱. از نظر آیت الله جوادی آملی الگو یا اسوه به معنای اراده یک منطق هدایت‌گر برای کنش انسانی است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

۲. یعنی اعتقاد به شخص معین و تاریخی محمد بن حسن المهدی، فرزند حسن بن علی العسکری است که بنا بر آموزه امامیه، ولادت یافته، اکنون در غیبت به سر می‌برد و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و تداوم حجت الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۳: ۱۵۳).

«کمال» نیز نشان‌دهنده جامعیت وجودی انسان کامل است؛ بدین معنا که در او همه مراتب مادی، مثالی و عقلی حضور دارد و هستی جهان به استمرار وجود او وابسته است. از این رو، حضور انسان کامل در عالم، شرط تداوم نظام آفرینش شمرده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴: ۱۱۲-۱۱۳). «خلافت الهی» نیز دو بعد اساسی دارد: ارتباط با حق و ارتباط با خلق؛ از یک سو، انسان کامل آینه تمام نمای صفات الهی است و توان حمل امانت الهی را دارد. از سوی دیگر، نسبت به سایر مخلوقات، نقش علت غایی را ایفا می‌کند و راهنمای آن‌ها در مسیر کمال است (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۱۸-۲۱۹).

آیت‌الله جوادی آملی در ادامه، مسئله را از زاویه هستی‌شناختی نیز بررسی می‌فرماید. بر پایه آیات قرآن، هیچ موجودی در عالم بی‌هدف آفریده نشده است (آل‌عمران: ۱۹۱) و هر موجودی در مسیر آفرینش خود، غایتی متناسب با ماهیت خویش دارد. انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست. انسان فطرتاً کمال‌جو است و در پی سعادت حقیقی خود به الگویی نیاز دارد که مسیر هدایت را در برابرش آشکار کند. از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، این الگو همان انسان کامل است که در قالب امام یا پیامبر، ظاهر یا غایب، حجت الهی بر روی زمین است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۷۹). بنابراین، برای نیل به کمال واقعی در عصر حاضر، باید تفکری دینی و مهدوی در وجود انسان شکل گیرد. تفکری که در پرتو آن، جهت حرکت انسان به سوی رشد، تعالی و انسانیت حقیقی تقویت شود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴: ۳۱۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۹۸)؛ در نتیجه، اگر انسان کامل در جهان حضور نداشته باشد، نظام هستی بی‌هدف خواهد بود؛ چرا که او غایت آفرینش است و همان‌گونه که جهان برای انسان آفریده شد، بقای آن نیز به وجود انسان کامل وابسته است (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

پژوهش پیش‌رو با نگاهی نوین به بررسی ارتباط میان اعتقاد به مهدویت و کمال‌گرایی انسان می‌پردازد و این رابطه را از منظر عمیق‌ترین اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی تحلیل می‌کند. این پژوهش به طور خاص بر دو ساحت کلیدی تمرکز دارد: یک، مصداق انسان کامل. دو، ابزارهای کمال انسان. تا کنون، تحقیقات موجود عمدتاً به بررسی کلی ابعاد مهدویت و انسان‌شناسی پرداخته‌اند، اما این پژوهش درصدد است تا با تحلیل دقیق و سیستماتیک مضامین اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، به چندین جنبه جدید و مبتکرانه ورود کند. نخست، این پژوهش ارتباطی عمیق و فراگیر بین مهدویت و کمال انسان در ساحت‌های مختلف را در نظر می‌گیرد و به دنبال شناسایی روابط پیچیده این دو مفهوم در دل فلسفه کمال‌گرایی است. دوم، این تحقیق با بهره‌گیری از روش

تحلیل مضمون - که تاکنون در این زمینه ناشناخته مانده - به بررسی مضامین کلیدی و عمیق‌تری در اندیشه آیت الله جوادی آملی می‌پردازد. این رویکرد موجب می‌شود تا تبیین شفاف‌تری از نظریات ایشان در خصوص کمال انسان به دست آید و در نتیجه، افق‌های جدیدی برای فهم ظرفیت‌های انسانی و نقش اعتقاد به مهدویت در تحقق آن‌ها گشوده شود.

در نهایت، این پژوهش به تقویت گفتمان علمی در زمینه مهدویت و کمال‌گرایی کمک کرده و می‌تواند به عنوان یک منبع معتبر برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به این موضوعات مورد استفاده قرار گیرد. بررسی ادبیات موجود در زمینه اعتقاد به مهدویت و کمال‌گرایی، نشان‌دهنده توجه بالای پژوهشگران به این دو مفهوم در عرصه‌های مختلف علوم انسانی و دینی است. متون و نظریات موجود، زوایای گوناگونی از این مفاهیم را روشن کرده که می‌تواند به درک عمیق‌تری از بحث‌های جدید کمک کند؛ به طور مثال، محمد رضایی آدریانی در *انسان‌شناسی و مهدویت* (انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۹۳)، مهدویت را در ابعاد مختلف انسان‌شناسی جسمی، روحی، جنسیتی و انسان‌شناسی رشد و کمال مورد بررسی قرار داده است. محمود ملکی‌راد نیز در *کارکردهای اعتقاد به مهدویت* (انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷)، اندیشه مهدویت را در زمینه‌های فرهنگی، نهادهای اجتماعی و نظام اجتماعی تحلیل کرده و در ادامه به آسیب‌شناسی کارکردهای اجتماعی باور به مهدویت پرداخته است. ندا معتمدی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر کمال انسان از نظر قرآن با محوریت تفسیر موضوعی قرآن آیت‌الله جوادی آملی» (۱۳۹۵) به بررسی عوامل مؤثر بر کمال جوارحی و جوانحی انسان و تأثیر متقابل این عوامل از دیدگاه جوادی آملی پرداخته است. به تازگی پایان‌نامه‌ای به قلم سحر حسین‌زاده (۱۴۰۱)، با عنوان «نقش باورداشت مهدویت در هویت‌بخشی انسان بر اساس آثار آیت‌الله جوادی آملی» منتشر شده که در آن، نقش اعتقاد به مهدویت در شکل‌گیری هویت انسانی تحلیل شده است.

مقالات زیادی نیز در حوزه مهدویت نگاشته شده است که مهم‌ترین آن‌ها، «نقش باورداشت مهدویت در نفی پوچی و تغییر نگرش به زندگی»، نوشته ابوزر رجبی (مجله مشرق موعود، ۱۳۹۷) است که تأثیرات باور به مهدویت را در تغییر نگرش به جهان و زندگی و مقابله با پوچ‌گرایی تحلیل کرده است. نرگس بزرگ‌خو و آسیه بنت سلمان در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر اعتقاد به مهدویت بر تکامل اجتماعی بشر» (انتشارات موعودپژوهی، ۱۳۹۸)، به بررسی نشانه‌های تکامل اجتماعی در جهان کنونی و عواملی که تکامل جامعه منتظر را شکل می‌دهند، پرداخته‌اند.

با وجود این تحقیقات، کمبود توجه به ارتباط مستقیم میان مهدویت و کمال‌گرایی انسان در ساحت‌های مختلف به‌خصوص در بررسی مصداق انسان کامل و ابزارهای کمال انسان احساس می‌گردد. پژوهش حاضر به این خلأ پاسخ می‌دهد و با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین اندیشه آیت‌الله جوادی آملی را به دقت تحلیل می‌کند تا یک تحلیل جامع و جدید از این روابط ارائه دهد. این رویکرد نه تنها به گسترش ادبیات موجود کمک می‌کند، بلکه بینش نوینی درباره اهمیت مهدویت و نقشی که می‌تواند در تحقق کمال‌گرایی انسان داشته باشد، ارائه می‌دهد.

در این پژوهش، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است که روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی و متنی است. تمام مضامین اندیشه آیت‌الله جوادی آملی درباره اعتقاد به مهدویت و نقش آن در کمال انسان در حوزه فکر و اندیشه با توجه به کتاب‌ها و نوشته‌های مربوط به ایشان، تجزیه و تحلیل شده است. مقوله‌های بیان‌شده از طریق کدگذاری در سه حوزه خداشناسی، امام‌شناسی و هستی‌شناسی دسته‌بندی شده است تا به بررسی ارتباط اعتقاد به مهدویت و کمال انسان در ساحت فکر و اندیشه بپردازد.

با توجه به مطالب گردآوری شده از مسئله مورد نظر، یافته‌ها در دو دسته تحلیل مضمون و جمع‌بندی مضمون‌ها در دو جدول ارائه شده است.

۱- تحلیل مضمون‌های پایه

در تحلیل مضمون‌های پایه سعی شده است تا تمام مضامین اندیشه آیت‌الله جوادی آملی درباره رابطه مهدویت و تبیین کمال انسان در ساحت فکر و اندیشه، عنوان‌بندی و تفسیر گردد. نمونه‌ای از کدها و مفاهیم کمال انسان و مهدویت در جدول شماره ۱، ارائه می‌گردد. در ارائه تحلیل مضمون از نرم‌افزار مرقوم که مجموعه‌های کامل از آثار آیت‌الله جوادی آملی است استفاده شده است.

جدول ۱: نمونه‌ای از کدها و مفاهیم جزئی مهدویت و کمال انسان
از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

مضمون پایه	جملات
هدف‌مندی خلقت، احسن بودن نظام خلقت	خداوند تمام موجودات عالم را بر اساس نظم خاصی خلق نموده است به طوری که همه آنها در یک نظام هماهنگ به سوی هدف واحدی در حال حرکتند لذا باید گفت اصل وجود واقعیات عالم هستی همه خیر و احسن است و همه آنها آیت و نشانه خداوند است و هیچ موجودی باطل و بی‌پهلو آفریده نشده است (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۸۹)

مضمون پایه	جملات
انسان کامل و نقش احسن المخلوقین بودن او در نظام خلقت	هرچند که خداوند تمام موجودات را به بهترین شکل خلق کرده است اما هیچ موجودی را به زیبایی و برتری انسان کامل خلق نکرده است و درباره هیچ موجودی از خود به عنوان احسن الخالقین یاد نکرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱۱۱)
اعتقاد به وجود امام عصر علیه السلام به عنوان مصداق انسان کامل، ضرورت وجود انسان کامل و نقش الگویی او در کمال رساندن انسان	وجود مبارک امام زمان انسان کامل عصر ما است و وجود انسان کامل از آن جهت که مظهر اسم اعظم است واجد تمام کمالات است (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۱۲۳)
خدایمحموری و ضرورت آن در کمال انسان‌ها	ذات اقدس الهی نخستین دعوت کننده انسان است... ولی همه نمی‌توانند سخن خدا را به صورت مستقیم بشنوند... شنیدن سخن فرشتگان هم میسر نیست؛ از این رو وجود انسان‌هایی برجسته که بتوانند واسطه بین خلق و خالق باشند و دعوت خدا را به بندگان ابلاغ کنند، ضروری است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶۵)
امام عصر علیه السلام به عنوان انسان کامل	امام عصر به عنوان یک موجود کامل، وجودی عنصری دارد که در عالم طبیعت است و جامعه در خدمت اویند و وجودی مثالی دارد که ملکوتیان در مشهد و محضر اویند و وجودی جبروتی دارد که عقول عالیه در خدمت اویند و یک وجود خلافت مطلق دارد که در مشهد و محضر مستخلف عنه خود، از همه مستور و غایب است (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۱۲۰-۱۲۱)
کمال مطلق الهی	چون در خداوند هیچ نقصی وجود ندارد، قرب به او ضامن تأمین و دوام مراحل و صفات کمالی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۵۹)
اعتقاد به ربوبیت الهی و کمال انسان	ربوبیت، سوق دادن شیء به سمت کمال آن است و رب کسی است که شأن او سوق دادن اشیاء به سوی کمال و تربیت آنها باشد و این صفت به صورتی ثابت در او باشد. مفاهیمی مانند مالکیت، مصاحبت، سیادت، قیومیت، ملازمت، تداوم بخشیدن، برآوردن نیاز، تعلیم یا تغذیه، همه از لوازم و آثار ربوبیت و هر یک در مواردی به اقتضای موارد گوناگون است و هر یک مصداقی از مصادیق متفاوت تربیت است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱، ۲۱۳)

۲- جمع‌بندی مضمون‌ها و تدوین مضمون فراگیر

از تحلیل مضمون‌های پایه (کدگذاری باز)، به مضمون‌های سازمان‌دهنده (کدگذاری محوری) و از تحلیل مضمون‌های سازمان‌دهنده، به مضمون‌های فراگیر می‌توان دست یافت.

جدول شماره ۲، مضمون‌های فراگیر در دو ساحت کلی مقدمات و مصداق دسته‌بندی شده

است.

جدول ۲: جمع بندی مضمون ها و تدوین مضمون فراگیر

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
مقدمت کمال	هستی شناسی	هدفمندی خلقت انسان، احسن بودن نظام خلقت، انسان کامل و احسن المخلوقین بودن او در نظام هستی نقش انسان کامل در نظام احسن، ضرورت وجود انسان کامل در هستی، رابطه میان فطرت و کمال، فلسفه خلقت انسان کامل، ضرورت کمال خواهی در انسان
مصدق انسان کامل	امام شناسی	امام مهدی علیه السلام انسان کامل عصر حاضر، ارتباط بین خلیفه الله و انسان کامل، نقش خلیفه الله در کمال انسان، اعتقاد به زنده بودن امام و امدادهای غیبی او و تصرفات او در عالم
مقدمت کمال	خدا شناسی	حکمت الهی و ضرورت به فعلیت رساندن کمال و خیر در مخلوقات رابطه بین حکمت الهی و وجود انسان کامل، خدامحوری و ضرورت آن در کمال انسان ها، نقش اعتقاد به ربوبیت الهی در ایجاد کمال، رابطه حکمت الهی و کمال انسان، اعتقاد به ربوبیت الهی و کمال انسان، کمال مطلق و نقش آن در افاضه کمالات موجودات، تقرب به خدا عامل اصلی کمال

۳- تحلیل ساحت های دوگانه رابطه مهدویت و کمال گرایی در حوزه بینشی انسان با تأکید بر مضامین اندیشه آیت الله جوادی آملی

۳-۱. تأثیر بینشی اعتقاد به مهدویت در کمال گرایی انسان در ساحت هستی شناسی و خدا شناسی همان گونه که بیان شد، پایه و اساس رفتارهای انسان، باورهای او است. اگر باورها در مسیر صحیح تبیین و هدایت شوند، زندگی انسان و آرمان های او در مسیر درست قرار خواهند گرفت و اگر عقاید نادرست به زندگی انسان جهت دهند، او را از مسیر درست منحرف می سازند (مردانی نوکنده، ۱۳۹۳: ۳۲). آیت الله جوادی آملی با توجه به اهمیت این مسئله و قابلیت موضوع مهدویت در ارتقای اندیشه انسان از حیث وصول به کمال و کمال گرایی و شناساندن مصداق انسان کامل، این مسئله را مورد توجه قرار داده است. برای این منظور، وی نظام هندسی مشخصی را در این خصوص ترسیم می کند که مهم ترین اضلاع آن را خدا شناسی به نحو خاص و هستی شناسی به نحو عام تشکیل می دهد که به عنوان مقدمت کمال، منتهی به مصداق انسان

کامل (امام عصر^{علیه السلام}) می‌گردد. این اضلاع، علاوه بر آن‌که به طور مستقل تبیین روشنی از مسئله کمال و مهدویت ارائه می‌دهد، با دیگر اضلاع نیز رابطه و پیوند ناگسستگی دارند. این تفکر به این معنا است که فهم هستی و مخلوقات، به نوعی به شناخت و درک آفریدگار منتهی می‌شود. بی‌گمان، این پیوند بین دو حوزه می‌تواند رویکردی نوین به بحث کمال‌گرایی انسانی و نقش مهدویت در آن ارائه دهند.

ایشان معتقد است که غایت جهان هستی که در لسان وحی از آن تعبیر به نظام احسن^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۶۱) و نظام هدفمند شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۴: ۵۰۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶: ۴۵۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲: ۲۴۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶: ۶۰۳؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۵)، «انسان کامل» است؛ یعنی اصولاً جهان هستی بر محور کمال خلق شده است؛ زیرا خداوند مظهر اعلای کمال و کامل مطلق است و حبّ به خیر و کمال دارد و عالم به جهات کمال و خیر مخلوقات است. پس مخلوقات را به‌گونه‌ای خلق نموده که توانایی رسیدن به کمال و خیر را دارا باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۵۲۱؛ الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۲۷-۲۲۸)؛ از این رو، ابزار، زمینه و مقدماتی را برای این هدف عظیم در نظر گرفته است. در این راستا وی معتقد است که انسان فطرتاً به کمال گرایش دارد و از نقص گریزان است (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۴: ۱۹۰). به همین دلیل باید در مسیر کمال قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۶۶). این مسیر با معرفتی متعلق کمال، محقق‌شدنی است (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۴: ۱۹۴). متعلق کمال یا ذات الهی است که اولاً، همه کمالات را به شکل نامتناهی داراست و ثانیاً، نیازهای همه و همه نیازها را

۱. هرچند نظریه «نظام احسن» در سنت فلسفی - عرفانی حکمت متعالیه و نیز در اندیشه آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از اصول پذیرفته‌شده تبیین فعل الهی تلقی می‌شود، اما این نظریه در میان برخی جریان‌های کلامی و به‌ویژه متفکران منسوب به «مکتب تفکیک» محل مناقشه بوده است. منتقدان، عمدتاً با تأکید بر تفکیک روش وحی از مبانی فلسفه یونانی، بر آن‌اند که نظریه نظام احسن، متأثر از دستگاه فلسفی مشایی و صدرایی است و مستند قرآنی و روایی صریح و کافی ندارد. از نگاه آنان، تعمیم مفاهیمی چون «ضرورت صدور احسن از واجب» یا «امتناع صدور غیر احسن از خداوند» ممکن است به تحدید اطلاق قدرت و اراده الهی بینجامد و نوعی ضرورت فلسفی را بر ساحت فعل الهی تحمیل کند. برخی از ایشان همچنین با استناد به واقعیت شرور، آلام و نابسامانی‌های طبیعی و تاریخی، تفسیر فلسفی «احسن بودن مجموع نظام عالم» را ناکافی دانسته و آن را حاصل غلبه نگاه عقل فلسفی بر ظاهر نصوص دینی تلقی کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به آثار و تقریرات انتقادی چهره‌هایی چون میرزا مهدی اصفهانی، مجتبی قزوینی و نیز برخی آثار تحلیلی معاصر درباره مبانی مکتب تفکیک مراجعه کرد.

برطرف می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۹۲، جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۲-۴: ۱۶۵) یا وجود انسان کاملی است که به‌عنوان الگوی کمال، تجلّی و بروز می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۰).

بحث فرآیند یا مراحل کمال انسان، بحث نسبتاً دقیق و پیچیده‌ای است که هر فرد برای رسیدن به کمال باید طی کند. از نظر آیت‌الله جوادی آملی، هر نظریه‌ای راجع به کمال انسان، ضمن تبیین نظری این امر، تلاش دارد تا از جنبه عملی هم مراحل و مراتب تحقق انسان کامل را فرا روی انسان قرار دهد. زمانی سعادت حقیقی انسان حاصل می‌شود که انسان به کمال عقل نظری و عملی دست یابد. استفاده از علم و عمل صالح که یکی محصول عقل نظری و دیگری محصول عقل عملی است، مهم‌ترین سعادت انسان است (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۲۸۶).

عقل نظری، نیرویی است که با آن اموری فهمیده می‌شود که هستی آن‌ها در اختیار انسان نیست و در جایگاه خود ثابت هستند. عقل عملی نیز به نیرویی تفسیر شده است که با آن، امور عملی دریافت می‌شود که بود و نبود آن‌ها به اختیار انسان است و سعادت آدمی در گرو تعدیل و بهره‌مندی وی از هر کدام در شرایط مناسب برای رسیدن به کمال است (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۱: ۵۲۵). امیر مؤمنان (ع) فرمود: «انسان با نفس ناطقه آفریده شد. اگر آن را با دانش شکوفا کند، به جواهر اول سبب آفرینش خود، شباهت پیدا می‌کند و هرگاه مزاجش را اعتدال بخشد و از موانع رهایی یابد، هفت آسمان استوار با وی همکاری کنند.» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱، ۱۲۷) هر کمال که بهره انسان می‌شود، از برکت تعدیل مزاج اوست و همه رذایل اخلاقی، نتیجه بی‌عدالتی در عرصه جان و پیروی از نفس اماره‌اند (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۲۵۹). بنابراین یکی از راه‌های کمال انسان، بهینه‌سازی و تعدیل اعمال و رفتارهای او بر اساس عقل عملی و نظری است.

نکته دومی که آیت‌الله جوادی آملی بر آن تأکید می‌کند آن است که برنامه کمال انسان باید بر اساس رهنمودهای دینی تنظیم گردد؛ زیرا هر نوع تفکر و تهذیبی انسان را به کمال نمی‌رساند، بلکه تفکری کمال‌ساز است که خود به کمال حقیقی رسیده باشد. به طور کلی، اگر انسان خود را به قلعه امن ولایت معصومان (ع) نرساند و زمینه‌های پرتوافشانی خورشید وجود آنان بر سرزمین جانش را فراهم نسازد، هرگز از مکر و حيله شیطان در امان نمانده و راه سعادت را طی نخواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۲۲۳) امام صادق (ع) می‌فرماید: «ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و مؤمنین پله پله بالا می‌روند. بنابراین کسی که در پله دوم است نباید به آن که در پله اول است بگوید: تو هیچ ایمانی نداری، تا برسد به دهمی (که نباید به نهمی این حرف را بزند) پس تو کسی که از خودت پایین‌تر است را از دایره ایمان خارج ندان تا آن کسی که از تو بالاتر است، تو را

از این دایره خارج نداند و هرگاه کسی را دیدی که یک درجه پایین‌تر از تو است، با ملایمت او را به سوی خودت بکشان و چیزی که طاقت ندارد را بر او تحمیل نکن و زیر این فشار طاقت‌فرسا او را نشکن؛ زیرا هر کسی مؤمنی را خرد کند، جبرانش بر او لازم است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۷۶)

بر این اساس، اعتقاد به مهدویت به مثابه نماد انسان کامل و مظهر تمام ویژگی‌های کمال‌گرایی، می‌تواند الهام‌بخش انسان‌ها باشد. این باور نه تنها به آن‌ها انگیزه می‌دهد، بلکه آن‌ها را به دنبال سیر و سلوک در مسیر کمال و قرب الهی می‌کشانند. پیروی از ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری امام زمان (ع) و تلاش برای شبیه شدن به او، موجب می‌شود که فرد احساس مسئولیتی عمیق‌تر در قبال اعمال و رفتار خود داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱: ۳۷۶-۳۷۹). جنبه‌ای دیگر از این بحث شامل توجه به خطرات عقاید نادرست است. اگر اعتقادات در مسیر نادرست هدایت شوند، ممکن است فرد را از مسیر کمال دور کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۱۱۷-۱۲۰). در این زمینه، اعتقاد به مهدویت باید با شناخت صحیح و عمیق از آموزه‌های اسلامی و فلسفی همراه باشد. در غیر این صورت، برداشت‌های سطحی از مفهوم مهدویت می‌تواند به غلط‌های فکری و اجتماعی منجر شود که به دوری از کمال می‌انجامد. در نهایت، ارتباط عمیق میان اعتقاد به مهدویت، خداشناسی، هستی‌شناسی و کمال انسانی نشان‌دهنده یک نظام فلسفی منسجم است که می‌تواند در راستای ارتقای اندیشه انسان به کار گرفته شود. این پیوند نه تنها به فهم بهتر از اهداف اعتقاد به مهدویت می‌انجامد، بلکه به بازتعریف کمال انسانی و مسیر تحقق آن نیز کمک می‌کند.

جدول ۳: مضمون فراگیر ساحت مقدمات کمال

مقدمات کمال	هستی‌شناسی	هدفمندی خلقت انسان، انسان کامل و احسن المخلوقین بودن او در نظام هستی نقش انسان کامل در نظام احسن، ضرورت وجود انسان کامل در هستی، رابطه میان فطرت و کمال، فلسفه خلقت انسان کامل، ضرورت کمال‌خواهی در انسان
	خداشناسی	حکمت الهی و ضرورت به فعلیت رساندن کمال و خیر در مخلوقات رابطه بین حکمت الهی و وجود انسان کامل، نقش اعتقاد به ربوبیت الهی در ایجاد کمال، رابطه حکمت الهی و کمال انسان، کمال مطلق و نقش آن در افاضه کمالات موجودات، تقرب به خدا عامل اصلی کمال

۲-۳. تأثیر بینشی اعتقاد به مهدویت در کمال‌گرایی انسان در ساحت امام‌شناسی

بنا بر اعتقاد آیت الله جوادی آملی، اگر در جهان خلقت امکان وجود، پرورش و تحقق انسان کامل نباشد، کل خلقت عبث و پوچ بوده و بدون حکمت و غایت است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۵: ۲۰۹). در یک چنین فرضی، پوچ‌گرایی می‌تواند موضوعیت یابد و تنها بر اساس نظریه انسان کامل و امکان تحقق مصداقی او است که می‌توان مسئله خلقت هدفمند و غایت‌مند و حکمت الهی را مطرح نمود (همان، ۱۰: ۴۷۶). بنابراین هدف از خلقت جهان، خلقت انسان و هدف از خلقت انسان هم تحقق انسانیت کامل و به فعلیت رسیدن استعدادهای او است. بنا بر دیدگاه ایشان، انسان کامل علاوه بر آن‌که سبب ایجاد عالم است، علت بقای آن نیز است (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ۱: ۱۲۸-۱۲۹)؛ زیرا نظام هستی و خلقت برای رسیدن به کمال خلق شده و این هدف، نه تنها در کل نظام هستی ساری و جاری است، بلکه برای تک‌تک اجزا و ذرات عالم هستی نیز قابل‌طرح است، پس شایسته است تا محور مناسبی برای تحقق این امر انتخاب شود که رهبری حرکت این کاروان بزرگ به سمت هدف را بر عهده گیرد و مظهر ربوبیت الهی بر هدایت کل مخلوقات به سمت کمال باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۱: ۳۳۱-۳۳۲). بنابراین انسان کامل، نه فقط حجت الهی بر انسان‌ها، بلکه امام و پیشوای همه اجزا و ذرات جهان هستی بوده و عالم در سایه وجود او نظم و نظام‌یافته و حرکت منسجم خود به سوی کمال را دنبال می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۳: ۲۵).

این جایگاه ویژه سبب شده است تا در روایات تأکید شود که اگر انسان کامل وجود نداشته باشد، زمین و زمان بر هم خواهد خورد؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ» (سیدرضی، حکمت ۱۴۷)؛ اگر زمین از پیشوای آسمانی خالی شود اهل خود را فرو می‌برد.

حال سؤالی که این‌جا مطرح می‌شود این است که انسان کامل دارای چه مقام و منزلتی است؟ پاسخ به پرسش فوق، ذیل مبحث امام‌شناسی قرار می‌گیرد. به اعتقاد آیت الله جوادی آملی، انسان کامل مظهر ربوبیت حق تعالی (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۳: ۲۵)، خلیفه الله (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ۱: ۱۲۷) و صراط مستقیم است که ملاقات با پروردگار تنها به واسطه او محقق می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۳: ۲۷). وی به سبب آن‌که واسطه فیض بین خالق و مخلوق است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۳: ۲۵)، از گناه و خطا معصوم است و نسبت به همه مراتب عالم آگاهی دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۱: ۳۳۱-۳۳۲).

در مکتب شیعه، این ویژگی‌ها منحصر به مهدی موعود^ع است. او انسان کامل در عصر حاضر و امام بر حق شناخته شده است و اعتقاد نداشتن به این انسان کامل همانا اعتقاد نداشتن به توحید ربوبی را در پیش دارد؛ زیرا امام مهدی^ع آئینه تمام‌نمای صفات خداوند و مظهر ربوبیت الهی شمرده شده است که باور نداشتن او، بدون تردید در باور به توحید ربوبی خلل ایجاد می‌کند. پروردگار عالم مهدویت را که نماد پیشرفت و تکامل انسان است از همان ابتدا در تدبیر حکیمانه خود قرار داده است. سرانجام و عاقبت تاریخ بشر که با ظهور حضرت بقیه الله و پیروزی حق بر باطل همراه است، مظهر و تجلی صفات ربوبیت پروردگار است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۶۳). بنابراین ربوبیت خداوند همان‌گونه که اقتضا می‌کند تا موجودات عالم را به سمت کمال و هدف نهایی سوق دهد، مقتضی آن است که در امور انسان‌ها نیز اعتنا کرده و آن‌ها را به سمت کمال رهنمون سازد. این امر تنها با اندیشه ناب مهدویت محقق و شدنی است؛ به طوری که اگر در عالم هستی جایگاه و ارزشی برای مهدویت قائل نشویم، به یقین کمال انسان‌ها نیز با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. زمانی که اعتقاد به امام عصر به عنوان انسان کامل در افکار و اندیشه انسان شکل بگیرد، در نهایت منتهی به بارور شدن و رشد کمال جنبه روحانی انسان خواهد شد که این جنبه در واقع به نوعی تجلی حیات متعالی و مثاله او تلقی می‌شود. این فرآیند به انسان کمک می‌کند تا بتواند با شناخت عمیق‌تر از خود و الهام‌گیری از الگوهای کمال، به سیر و سلوک در مسیر معنویت و نزدیکی به خداوند بپردازد و در پی آن، زندگی‌ای سرشار از معنا و هدف را تجربه کند (همان: ۲۶۴).

این اعتقاد در عصر کنونی، نیاز به تفکر دینی مهدوی را ضرورت می‌بخشد. معرفی حضرت مهدی^ع به عنوان انسان کامل عصر حاضر، علاوه بر آن که باعث حرکت انسان‌ها در مسیر کمال، تقویت، رشد و بالندگی آن و رسیدن به درجه بالای انسانیت، یعنی همان حیّ مثاله می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۰۲-۱۰۳)، سبب محقق شدن هدف نهایی فعل خداوند از خلق نظام هستی به عنوان فعل خداوند می‌شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کمال‌خواهی و کمال‌گرایی بدون اجرای تفکر مهدوی، حکمت الهی که همه چیز در آن به صورت احسن و هدف‌دار آفریده شده است را با چالش جدی مواجه می‌سازد (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۲۷). این اعتقاد سبب تقویت اعتقاد انسان در حوزه خداشناسی و پی بردن به حکمت الهی می‌گردد. هر قدر باور به مهدویت عمیق‌تر باشد، سطح اندیشه انسان نسبت به حکیم بودن خداوند نیز بیشتر می‌شود؛ زیرا شخص باورمند و معتقد به

امام زمان علیه السلام می‌داند که برترین و کامل‌ترین راه رشد و ترقی بعد ملکوتی انسان و دستیابی به کمال نهایی، اعتقاد به امام زمان است. شخص منتظر بر این باور درست است که صادر شدن امر بیهوده و عبث از خداوند محال است (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ۴: ۵۲۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۷: ۳۰۶) و او حکیم مطلق است که هر گونه گزاف و بی‌هدفی، لعب و بیهودگی در هندسه خلقت او منتفی اعلام گشته و تمام کارهایش هدف‌دار و طبق مصلحت و بر اساس حکمت است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ۲: ۱۳).

جدول ۴: مضمون فراگیر ساحت مصداق کمال

امام مهدی انسان کامل عصر حاضر، ارتباط بین خلیفه الله و انسان کامل، نقش خلیفه الله در کمال انسان، اعتقاد به زنده بودن امام و امدادهای غیبی او و تصرفات او در عالم	امام‌شناسی	مصداق کمال
--	------------	------------

۳-۳. تحلیل ساحت‌های دوگانه و ارتباط بین آن‌ها

همان‌گونه که ملاحظه گردید، اهم مباحث کمال‌گرایی در حوزه بینشی در منظومه فکری آیت‌الله جوادی آملی بر دو ساحت مقدمات و مصداق کمال بنا شده است. مقدمات مباحث هستی‌شناسی و خداشناسی را در برمی‌گیرد و امام‌شناسی نیز اشاره به مصداق کمال دارد. نحوه چینش این مباحث به ترتیب زیر است:



مطابق شکل فوق، آیت‌الله جوادی آملی معتقد است خداشناسی و هستی‌شناسی به‌عنوان شرایط ضروری برای درک امام‌شناسی مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، بدون شناخت درست از خدا و اصل وجودی عالم، دستیابی به درکی عمیق درباره امام و مقام او ممکن نیست. به این صورت که از آنجایی که خداوند کامل‌ترین موجود در سلسله موجودات عالم و منبع همه

کمالات است،^۱ لازمه حکمت و ربوبیت او ایجاب می کند که، زمینه و مقدمه اندیشه کمال پذیری را در انسان فراهم نماید؛ چرا که کمال نهایی انسان قرب به خداوند است. انسان ها هر چه بیشتر صفات الهی را در خود متجلی کنند، حقیقتاً به خدا نزدیک تر شده اند و هر چه از صفات الهی دورتر باشند، از خدا دورتر خواهند بود و از کمال نهایی فاصله بیشتر خواهند داشت. از سوی دیگر، کمال پذیری فرع بر کمال یافتگی است؛ به این معنا که بینش و جهان بینی وصول به کمال نهایی در انسان، منوط بر وجود انسان کامل در نظام خلقت است. انسان کامل در هر زمان یک مصداق بیشتر ندارد و آن همان شخصیتی است که واسطه بین خالق و مخلوق و حجت خداوند بر روی زمین است. این شخصیت والا مقام کسی جز معصوم علیه السلام و امام و پیشوای همه مردم نیست، البته هرگاه از انسان کامل به نحو مطلق سخن به میان می آید، منظور پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که برترین آفریده خداوند و الگوی همه انسان ها، از ابتدا تا انتهای تاریخ است. مفهوم انسان کامل علاوه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام را نیز شامل می شود؛ یعنی هر یک از ائمه معصوم علیهم السلام به نوبه خود انسان کامل هستند و در زمان خود، پیشوای همه انسان ها و حجت خداوند بر مردم به شمار می آیند. بنابراین انسان کامل در این زمان، حضرت ولی عصر حجت بن الحسن علیه السلام هستند که به عنوان آینه صفات تام خداوند و مظهر ربوبیت الهی شمرده شده است و اعتقاد نداشتن به او، ربوبیت و حکمت الهی را با اخلال مواجه خواهد ساخت.

از طرف دیگر، باید بررسی کرد که آیا شناخت خدا و هستی به عنوان مقدماتی برای اثبات وجود امام و شناخت او قرار دارد؟ در واقع، اگر ما خدا را به عنوان مبدأ کمال و قانون گذار می شناسیم، می توانیم امام را به عنوان تجلی آن کمال و الگوی انسانی درک کنیم. در این راستا، جدایی بین این مقولات غیرممکن می شود و به نظر می رسد که شهود خداوند و هستی می تواند

۱. برخی منتقدان فلسفه اسلامی می گویند نظریه تشکیک وجود با تعابیری مانند «کامل ترین وجود» باعث می شود که خدا و مخلوق در یک سنخ مفهومی و در عرض هم دیده شوند و تفاوتشان فقط درجه ای باشد که این با تنزیه الهی ناسازگار است. از نظر آنان، چنین نگاهی مستلزم تشبیه و محدودسازی ذات بی قیاس خداست (حکیمی، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۶). در مقابل، آیت الله جوادی آملی تأکید می کند که تشکیک وجود به معنای هم عرض انگاری نیست، بلکه تبیین وابستگی عین الربط ممکنات به حقیقت مطلق وجود است. خدا «وجود محض و نامتناهی» و مخلوقات تجلیات فقیر و غیرمستقل اویند؛ پس تعبیر «کامل ترین وجود» مقایسه کمی و عرضی نیست، بلکه نشان دهنده تحقق همه کمالات در حق و بهره مندی محدود دیگران از اوست. از این دیدگاه، تشکیک نه تنها تشبیه نیست، بلکه عمیق ترین تبیین از توحید و قیومیت است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، ذیل آیات توحیدی).

مسیری را برای درک شناخت در مورد امام معصوم علیه السلام فراهم سازد؛ به این معنا که، شناخت خدا به عنوان مبدأ وجود و سرآغاز کمال است. فهم صحیح صفات خداوند و نقش او در جهان به انسان کمک می‌کند تا هدف خود را در راستای کمال تعریف کند و با درک درست از هستی و مخلوقات، انسان می‌تواند جایگاه خود و مسئولیتش در راستای تحقق کمال را بشناسد. در این صورت این سؤال پیش می‌آید که آیا او می‌تواند به ضرورت وجودی و آثار الهی در عالم پی ببرد و در این راستا به سمت کمال‌گرایی حرکت کند؟ پاسخ قطعاً منفی است و نیاز به امام معصوم علیه السلام بالضروره احساس می‌شود. امام معصوم علیه السلام، به عنوان انسان کاملی که تجلی صفات الهی است، در واقع نقطه عطف کمال انسانی را ترسیم می‌کند. شناخت امام به عنوان ذی المقدمه، انسان را به سوی تحرک در راستای کمال خود و عرفان به حقیقت وجودی اش سوق می‌دهد.

در نهایت، باید یادآور شد که خداشناسی و هستی‌شناسی نه تنها مقدماتی برای درک امام‌شناسی هستند، بلکه در یک نظام معرفتی منسجم و پیشرفته، این مفاهیم باید به درستی در یک چهارچوب قرار گیرند تا انسان بتواند به طور عمیق‌تری کمال را بشناسد. این مباحث تنها در ارتباط با یکدیگر معنا دار خواهند بود و هر کدام نقشی اساسی در پیشبرد انسان در مسیر کمال ایفا می‌کنند. امام سجاد علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِرٌّ نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَ نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ نَحْنُ عَيْنُهُ عِلْمِهِ وَ نَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَ حَيِّهِ وَ نَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ وَ نَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ»؛ میان خدا و حجت او که امام هر زمان است حجاب و مانعی وجود ندارد، پس خداوند پیش روی حجت خود پوششی نیفکنده است. ما نیمی درهای علم خدا، راه مستقیم و کانون علم او و ما بازگوکننده و شرح‌دهنده وحی خدا و استوانه‌های اصلی کاخ توحید او و جایگاه راز نهانی اویم (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۵).

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «... حَطِیمُ إِسْمَاعِيلَ ... وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا صَفَّ قَدَمَيْهِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ قَائِمَ اللَّيْلِ مُصَلِّيًا حَتَّى يَجِيئَهُ النَّهَارُ وَ صَائِمَ النَّهَارِ حَتَّى يَجِيئَهُ اللَّيْلُ ثُمَّ لَمْ يَعْرِفْ لَنَا حَقًّا وَ حُرْمَتًا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا أَبَدًا»؛ اگر کسی در حطیم اسماعیل، شب‌ها را به نماز و روزها را به روزه سپری سازد، ولی حق و حرمت ما، اهل بیت را نشناسد، به خدا سوگند! خداوند هرگز چیزی از عبادتش را نمی‌پذیرد (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۲).

نتیجه‌گیری

باور به مهدویت یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های دین اسلام است که تأثیرات و کارکردهای گسترده‌ای در حوزه بینش انسان دارد. در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، اعتقاد به مهدویت نقش

کلیدی در شکل‌دهی بینش کمال‌گرایانه انسان در سه حوزه هستی‌شناسی، خداشناسی و امام‌شناسی ایفا می‌کند. این باور موجب تقویت دیدگاه‌های مختلف انسان نسبت به حکمت و ربوبیت الهی، هدفمندی خلقت و وجود امام زنده به‌عنوان واسطه دائم فیض می‌شود. خداوند بر اساس ربوبیت خود، برنامه‌ای سازنده برای هدایت انسان به سوی کمال طراحی کرده است تا انسان با شکوفایی گوهر ملکوتی‌اش، یعنی حقیقت متعالیه، به هدایت و کمال دست یابد. این فرآیند بر اساس اهداف خلقت در حوزه هستی‌شناسی شکل گرفته است. به عبارت دیگر، احسن بودن و هدفمندی جهان خلقت دلیلی روشن بر حکمت و ربوبیت الهی است.

در این راستا، حوزه‌های هستی‌شناسی و خداشناسی به تکمیل اهداف خلقت نیاز دارند و این تکمیل از طریق تبیین درست مفهوم انسان کامل به دست می‌آید. به این ترتیب، امام‌شناسی با ارائه مصداق انسان کامل، در تکمیل و تحقق اهداف هستی‌شناسی و خداشناسی کمک می‌کند و فرآیند تکامل و کمال انسان را ممکن می‌سازد. در عصر حاضر، حضرت ولی عصر علیه السلام به‌عنوان انسان کامل شناخته می‌شود، که آئینه صفات کامل خداوند و مظهر ربوبیت الهی است. عدم اعتقاد به ایشان موجب اخلال در حکمت و ربوبیت الهی خواهد شد.

از این رو، اندیشه مهدویت با تبیین درست جهان هستی و غایت آن، می‌تواند در تقویت بینش انسان نسبت به کمال مؤثر باشد و تحولات بنیادینی در نگرش انسان به هستی‌شناسی و خداشناسی ایجاد کند. پژوهش حاضر این توانایی را دارد که در فضای فکری جامعه کنونی، به جای تأکید بر مطالب نظری صرف در باب مهدویت، از طریق مقوله کمال و کمال‌خواهی به‌ویژه در میان جوانان، علاوه بر هدایت آن‌ها به سمت کمال، تبیینی روشن از مسئله مهدویت در چهارچوب انسان کامل ارائه دهد.

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه، سیدرضی، (۱۴۰۵ق)، تحقیق: صبحی صالح، نشر اسوه.
۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ق)، مسند/ احمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد، (۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، انتشارات علامه.
۳. ابن فارس، احمد بن زکریا، (۱۴۰۴ق)، معجم المقاییس اللغة، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی.

۴. _____، (۱۳۸۹)، *معجم المقایس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره، داراحیاء الكتب.
۵. الهی نژاد، حسین، (۱۳۹۵)، *مهدویت پژوهی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، *ادب فنای مقرران*، تحقیق: محمد صفایی، قم، اسراء.
۷. _____، ۱۳۸۹، *اسلام و محیط زیست*، تحقیق: عباس رحیمیان، قم، اسراء.
۸. _____، (۱۳۹۹)، *امام مهدی*، موجود موعود، تحقیق: محمد حسن مخبر، قم، اسراء.
۹. _____، (۱۳۶۹)، *بر بال اعتکاف*، قم، اسراء.
۱۰. _____، (۱۳۸۷)، *تحریر تمهید القواعد*، تحقیق: حمید پارسانیا، قم، اسراء.
۱۱. _____، (۱۳۸۰)، *تسنیم*، تحقیق: عبدالکریم عابدینی، قم، اسراء.
۱۲. _____، (۱۳۸۲)، *تفسیر انسان به انسان*، تحقیق: محمدحسین الهی زاده، قم، اسراء.
۱۳. _____، (۱۳۷۶)، *حق و تکلیف*، تحقیق: مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
۱۴. _____، (۱۳۷۰)، *حکمت عبادات*، قم، اسراء.
۱۵. _____، (۱۳۷۲)، *سرچشمه اندیشه*، تحقیق: عباس رحیمیان، قم، اسراء.
۱۶. _____، (۱۳۷۵)، *سروش هدایت*، قم، اسراء.
۱۷. _____، (۱۳۷۷)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم (سیره رسول اکرم در قرآن)*، تحقیق: حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.
۱۸. _____، (۱۳۷۹)، *رحیق مختوم*، قم، اسراء.
۱۹. _____، (۱۳۸۱)، *شمیم ولایت*، تحقیق: محمود صادقی، قم، اسراء.
۲۰. _____، (۱۳۸۴)، *فطرت در قرآن*، تحقیق: محمدرضا مصطفی پور، قم، اسراء.
۲۱. _____، (۱۳۸۳)، *مهر استاد*، قم، اسراء.
۲۲. _____، (۱۳۹۰)، *نسیم اندیشه دفتر دوم*، تحقیق: محمد صادقی، قم، اسراء.
۲۳. _____، (۱۳۸۵)، *هدایت در قرآن*، تحقیق: علی عباسیان، قم، اسراء.
۲۴. _____، (۱۳۹۲)، *حق و تکلیف در اسلام*، چاپ سوّم، تحقیق: مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
۲۵. _____، ۱۳۹۴، *عصاره خلقت*، تحقیق: صفایی، چاپ یازدهم، قم، اسراء.
۲۶. _____، (۱۳۹۴)، *سیره پیامبران در قرآن*، چاپ هشتم، تنظیم: علی اسلامی، قم، نشر اسراء.
۲۷. حر عاملی، محمدبن الحسن، (۱۴۱۲ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۸. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۶)، *معاد جسمانی در حکمت متعالیه*، قم، انتشارات دلیل ما.
۲۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، (بی تا)، *المفردات فی الفاظ القرآن*، تصحیح: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالشامیه.

۳۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱ق)، الغیبه، تحقیق و تصحیح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیه.
۳۱. هیشمی، علی بن ابوبکر، (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد ومنیع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۲. خزار رازی، علی بن محمد، (۱۴۰۱)، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، قم، انتشارات بیدار.
۳۳. صدرالمتهلین، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۶)، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق: محمد خواجهوی، قم انتشارات بیدار.
۳۴. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. _____، (بی تا)، الإمامة والتبصرة من الحيرة، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مردانی نوکنده، محمدحسین، (۱۳۹۳)، «ارائه بینش و جهان بینی متعالی در حکایت های تربیتی قرآن»، پژوهش نامه معارف قرآنی، دوره ۵، ش ۱۶، ص ۳۱-۵۵.
۳۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، انسان در قرآن، قم، صدرا.
۳۹. ملکی راد، محمود، (۱۳۹۷)، کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۰. نصری، عبدالله، (۱۳۸۲)، فلسفه آفرینش، قم، دفتر نشر معارف.